

لزوم اصلاح خط

باید ترقی پرست شد و باید این ترقی را از الف باء شروع کرد .
پرنس ملکم خان

کنفرانس آقای نقیب زاده در زمینه کمال خط فعلی با کثرت مشاغل مرا تهیه این مقاله و ادار نمود و مع الاسف با معززی الیه هم عقیده نبوده و معتقد بنقص خط فعلی هستیم - خط مظهر زبانست و خط ناقص دلیل نقص زبانست و نقص زبان هر مات دلیل عدم رشد و کمال آن مات است - نقص خط سبب عدم تعمیم و پیشرفت معارف است و مالیکه در معارف بطئیبی الحیر که هستند ملل پس مانده و محکوم به تبعیت از غیر میباشد - انسان در اول کنگک وصامت بود - تطورات او را ناطق و گویا نمود - در مرحله ثانی بی سواد و امی بود - هر دو ایام او را با سواد و صاحب خط نمود - هر طائفه گویاتر و با سوادتر همواره از معاصرین خود پیشتر بوده است - یاک نظر اجمالی بتاریخ خط و زبان این حقیقت را روشن میسازد و با رعایت ایجاز دو مقدمه تاریخی در تاریخ زبان و خط ایراد مینمائیم و بعد اجمالا نواقص خط فعلی را تذکر میدهیم (۱)

علماء تاریخ لغت (زبان) را بدو دوره تقسیم نموده اند : تقلیدی نطقی - دوره اول دوره ایست که انسان مقاصد خود را از تقلید ظواهر اشیاء افهام میگردد - این دوره بدوره تقلید الی اشکال و اصوات تقسیم میشود و هر کدام اقسامی دارند که صرف نظر میگردند : لالهها برای تمثیل انسانهای این دوره نمونه خوبی هستند - انسان در این دوره مراحل حللی را طی کرد و بدوره دوم رسید که دوره اشارات صوتی نام دارد و چون وسیله اصوات بهتر اداعه مقصود

(۱) این مقاله با مراجعه بطبقات الامم جرجی زیدان و کتاب الاملاء شیخ حسین و الی مقنن اول جامع الازهر و رساله خط نو میرزا علی محمد خان اربسی و بعضی از شماره های الهلال و غیره تهیه شده است

میتوانست در استخدام وسائل افهام مقصود بیشتر گوشتید کم کم وضع لغات کرد
 و بلغات یکمقطعی و چند مقطعی دائره افهام مقصود را تدریجاً و بعت داد و بخوبی گو باشد
 نمونه انسانهای اولیه در ملل وحشی و نیم وحشی امروزی وجود دارد - بعضی
 از ساکنین استرالیا و اواسط امریکای جنوبی بدون اشاره قادر بافهام مقصود
 نیستند در اثناء سخن صوت میزنند یا بعضی حرکات را تقلید میکنند و در
 تاریکی قادر نیستند که مقاصد خود را بخوبی اداء کنند زیرا یکدیگر را
 نمی بینند و بسبب اشاره و حرکات لغات خود را نمیتوانند کمک کنند همچنان
 در استرالیا طائفه هستند که برای اعداد دو لغت یکی « نت » بمعنی يك
 و دیگر « نایس » بمعنای دو بیشتر ندارند و تا عدد هفت زیادتر شماره توانند
 کرد و اگر بخواهند بگویند سه میگویند : (نایس نتات) و در بیان عدد چهار
 دو مرتبه لغت دورا تکرار میکنند و میگویند (نایس - نایس) و لغز هفت به
 بالا را بلغتی تعبیر میکنند که بمعنای زیاد است . نمونه دیگر از انسان اولیه
 و شرح تطورات او کودک است که تمام ادوار زبان را از دور تقلیدی اولی
 الی تاریخ وضع لغات يك مقطعی و دوره نطق کامل طی مینماید . بالجمله
 انسان باسباب مزبور بر اثر تطور و مرور دهور برای افهام مقاصد خود
 پیشرفت آتاجائیکه بسبب احتیاج افهام مقاصد نا مشخص غائب و بقاء آثار
 لفظی ناچار از وضع خط گردید - رویه انسان در وضع خط همان رویه تقلید
 است - برای افهام موجودات خارجی شکل آنان و برای افهام امور معنوی
 علامت مخصوصی را رسم میکرد - مثلا برای فهماندن درخت شکل درخت
 و برای افهام دوستی شکل کبوتر را رسم میکرد . مدتی براین منوال گذشت
 تا مصریان خط هیروگلیف را وضع نمودند - سپس تقریباً
 در سه هزار سال قبل از میلاد فنیقیها هیروگلیف خاصی را که دارای
 بیست و دو حرف و نماینده بیست و دو شکل و بیست و دو صوت بود اختراع
 نمودند که میتوان آنرا الفباء اولیه بشرنامید و این الفباء همان ابجد هوز است

که هورخین عرب بر آن پیرایه ها بسته اند و صاحب قاموس هرېك را از پادشاهان (مدین) دانسته که با سامی خود بشکلا، هرزبور ترتیب الفباء داده اند و میگوید که همه آنها در یوم (ظله) کشته و هلاک شدند و دختر کلمن مرتبه در هرک ایشان سروده که فرد او اش این است (کلمن هدم رکنی!) و بعضی دیگر این حروف را عربی دانسته و مثلاً ابجد را ابوجاد مشتق از جود و سخایا جواد بمعنای عطش فرض کرده اند ولی مطلب همانست که گفته شد و تلفظ و معانی آن بقرار دیل است

نام عربی	معانی آنها	نام فنیقی	نام عربی	معانی آنها	نام فنیقی
الف	گاو	الف	لام	!	لامد
باء	خانه	بیت	میم	آبها	میم
جیم	شتر	جمیل	نون	ماهی	نون
دال	درب	دائ	سین	ستون	ساعك
هاء	!	ه	عین	چشمه	عین
واو	گوز	واو	فاء	دهان	فاء
رای	سلاح	زین	صاد	؟	سادی
حاء	محوطه	حیت	قاف	کوش	قوف
طاء	مار	طیط	راء	سر	ریش
یاء	دست	یود	شین	دندان	شین
کاف	کف	کاف	تاء	علامت	تاد

و هرېك از این حروف بشکل جسم معنای خود ترسیم و از راست بچپ نوشته میشد بونانیها که اقدم ملل اروپائی هستند و با فنیقیها رابطه داشته اند حروف فنیقی را اقتداس و اصلاحاتی نمودند که مهمترین آن وضع اعراب واد خال آن در حروف و از چپ بر راست نوشتن است و الفباء یونانی در قرن ششم میلادی در یونان انتشار کامل یافت و از آن الفباء دیگری وسیله مردم ایتالیا بوجود آمد که انروسک نامیده میشود

والقبای لاتین از القباى اتروسك ایجاد شده است اما در آسیا عبرانیان و آرامیایان دو خط عبری و آرامی را احداث کردند و خط عبری بدو سبب مهاجرت عبرانیها از وطن خود منسوخ و دوباره سبب مراجعت ایشان خط عبری دیگری احداث شد که شبیه خط آرامی است. از القباى آرامی دو خط دیگر بوجود آمده یکی بالمیری و دیگری نبطی که اخیری خط اسلاف اعراب حایه است. همچنان از خط بالمیری خط قدیم سبیریاك اقتباس شده و بطرف شرق رفته در چین و مغن و غیره توطن وریشه کرده است و از دو خط نبطی و سبیریاك (یا استرانکلو) خطوط عربی اقتباس شده - خط عربی در اول احروف مقطعه بدون تغییر شکل نوشته میشد و معروف بنخط (مسند) است و خط مردم (حمیر) بود و مخصوص خواص بوده و عوام اجازه تحصیل آنرا بدون اذن نداشته اند -

این خط در دولت (تابعه) ترقی کرده و بحیره منتقل شده و تدریجاً از خط مسند خط دیگری بوجود آمد که (جزم) نامیده گردید و همانست که بعد سبب انتشار اسلام و ظهور علماء کوفه و وضع قواعد مخصوصه برای آن معروف بنخط کوفی گردید و خط کوفی هم بالاخره در قرن سوم هجری توسط وزیر بن مقله (وزیر المقتدر بالله) تبدیل بنخط نسخ شد و خط امروزی عالم است و نسخ هم باشکال مختلفه در آمده و بنخط مصحف عثمانی (خط رسمی سابق عثمانی) و خط عروضی و قیاسی و در مغرب بنخط مغربی و اندلسی و در شرق و ایران بنخط دیوانی و نث و تعلیق و شکسته و غیره جاوه گردیده است. اما القباى ایرانی قدیمترین خط ایرانی خط میخی است که خط آریائی باشد و از چپ بر راست نوشته میشد - این خط تا آخر دوره کیدان در ایران بود و از عهد سلطنت اردشیر بابکان از روی خط آرامی و بالمیری خطی ایجاد شد که معروف بنخط پهلوی است و بدو قسمت ساسانی و عراقی تقسیم میشود و تا آخر سلطنت ساسانیان در ایران باقی بوده و بعد بواسطه انتشار دین حنیف

اسلام متروک شده و خط عربی جای آنرا گرفت. و از خط عربی خط لوط امروزی ایرانی از قبیل شکسته و غیره که دارای اواقس و معایب ذیل است بوجود آمد. - اما نواقص خط فعلی - حال که دانستیم خط جنبه آسمانی ندارد و برای افهام مقاصد بشری است و بشر مخترع آنست آیا سزاوار و لازم نیست که بهترین طرز آنرا که نوا نامر با افهام مقاصد و مضبوط تر باشد استخدام نمائیم؟ - نواقص خط فعلی زیاد است و دانشمندان ما آنرا احصاء نموده اند ولی آنچه موجب اشکال عمده آن است مراتب آتی است - اول از راست بچپ نوشتن موجب شده که حروف نسبت بمواقع تغییر شکل دهند و از اینجا اشکال زائیده حرف اول و وسط و آخر و گنجهای پدید آمده است و چنانچه بشکل خط لاتین مقطع و از چپ بر راست نوشته شود این اشکال مرتفع و نحر بر اسان میشود و فقط بواسطه يك خط حروف بهم اتصال مییابند. دوم حروف متشابه چون **ح - ج - خ - و غیره** که بسبب تفاوت نقاط تغییر معنی داده و مقلا مجرم - مجرم میشود و بدین سبب باید بقرینه خارجی معنای لغت را در یافت و یا بمافند طائفه سابقه لغت استرالیائی در تاریکی یعنی در بولان قرینه از نطق باز ماند و چیز نوشت و تفهیم بالاخص که لغت بمنفرد نوشته شود که هیچ وجه بدون نقطه قرائت آن ممکن نیست - میگوئید نه این لغات را بخوانید: حیره! ماح! کار! سگ! حی - هر کدام از اینها چند جور خوانده میشود - مثلا اولی: حیره حیره - خیره - چیره - الخ سوم - خارج بودن اعراب از حروف: در فارسی ابدأ رعایت اعراب نمیشود و از این جهت کلمات غلط خوانده میشود - آنکه مثلا باید بزیر قرائت شود بزیر یا به پیش خوانده میشود و قرائت لغت محتاج باطلاع مخصوصه است در صورتیکه وضع خط برای افهام معنی است - دیگر نداشتن یازده صداها و داشتن کلمات زائده چون واو معدوله و غیره - بطور اجمال خط فارسی بسبب نواقص خود مشکلات عمده آنرا را بوجود آورده: ۱ - تحصیل

زبان را مشکل کرده ضبط لغات و اسناد رسمی و غیر رسمی و کتب علمیه را متزلزل کرده و بهمین علت در تنظیم مقوله نامه های رسمی ملاک خط غیر فارسی است . سوم - انتشار کتب علمی و جرائد و مجلات را محدود و گران کرده - کتابیکه با سه هزار حرف لاتین چاپ میشود اگر با خط فارسی چاپ شود علاوه از آنکه هزاران غلط خواهد داشت اقلای باید بپایانزده هزار حرف چاپ شود این است که بر هر ترقیخواه و اصلاح طلبی فرض است که در تغییر خط فارسی بکوشد و این ملت را از این سد راه ترقی نجات دهد

سید صالح - صالح

سید صالح - صالح

(رباعیات)

چو بیش و کمی نیست در مغز و پوست
ز تفرین بد خواه و تحسین دوست
ندانم چرا مردم سنگ دل
از آن شاد کردند از این تنگدل
کاشی که بد را پسندیده اند
ندانم ز نیکی چه بد دیده اند
* امیر خسرو دهلوی *

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ز اقتضای دور گردون گر پدید آید ترا
چند روزی در جهان بر قول و فعلی دسترس
باشو از این بهمین بندی بغایت پیودمانند
بدمگو و بد ممکن با هیچکس در هیچ حال
تا نه بد گوید کست نه نیز بد بین ز کس
* ابن بهمین فریوندی *

یاد داری به وقت زادن تو
همه خندان بودند و تو گریبان
آنچنان ز می که وقت مردن تو
همه گریان شوند و تو خندان
* حکیم سنائی *